

ORIGINAL ARTICLE

Understanding the meaning of the words "jebal" and "ravasi" in the Qur'an

Jaffar Firoozmandi¹, Zohreh Narimani^{2*}

1. Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Kermanshah Azad University, Iran.
2. Assistant Professor of University of Sciences and Teachings of the Holy Qur'an, Faculty of Qur'anic Sciences, Kermanshah Branch, Iran.

Correspondence:
Zohreh Narimani
Email: narimani@quran.ac.ir

Received: 15 Oct 2022
Accepted: 08 Jan 2024

How to cite

Firoozmandi, J. & Narimani, Z. (2024). Understanding the meaning of the words "jebal" and "rasi" in the Qur'an. *Journal of Qur'anic Interpretation and Language*, 13(2), 101-113. (DOI:10.30473/quran.2025.69475.3324)

ABSTRACT

The words "Jabal" and "Ravasi" are among the most commonly used Quranic terms that are generally interpreted in the Quranic interpretations and translations of the Qur'an into Persian. Jabal has been used 41 times and rasiyat 14 times in the Quran. The present study, by analyzing the Qur'an to the lexical Qur'an, and analyzing the Quranic text in detail, comparatively explains the meaning of "jabal" and "narrative" and extracts its semantic components from the Holy Qur'an. Examination of the verses in which the words "Jabal" and "Ravi" are used show that Ravi means the roots of the mountains, which is immovable and even safe from the decay and decay of the resurrection. God has preserved the narrative only during creation, unlike Jabal, which has been used most often in connection with the resurrection and its disintegration, as well as in reference to its outward manifestations such as symbolizing power, greatness and conquest, as well as speaking of its course and movement. The discovery of the semantic and comparative components of the apparently syntactic vocabulary will manifest the pure Qur'anic teachings and discover exquisite interpretive points.

KEYWORDS

Jabal, Nawaz, Mountain, Root.



«مقاله پژوهشی»

واکاوی مفهوم واژگان «جبال» و «رواسی» در قرآن و تبیین تفاوت ماهیتی آنان براساس دستاوردهای علوم تجربی

جعفر فیروزمندی بندپی^۱، زهره نریمانی^{۲*}

چکیده

واژگان «جبال» و «رواسی» از جمله واژگان پرکاربرد قرآنی است که در عموم تفاسیر و ترجمه‌های قرآن به زبان فارسی، به یک معنا یعنی «کوه‌ها» تعبیر شده است. جبال ۴۱ بار و راسیات ۱۴ بار در قرآن به کار رفته است. این پژوهش با روش تفسیر قرآن به قرآن، و تکیه بر معنای لغوی واژگان، و نگاه تحلیلی و دقیق به متن قرآن، به تبیین تطبیقی معنای «جبال» و «رواسی» و استخراج معانی متفاوت آن از قرآن کریم پرداخته است. بررسی‌های قرآنی، براساس آنچه گفته شد؛ این‌گونه نشان می‌دهد که بین «رواسی» و «جبال» تفاوت ماهوی آشکاری وجود دارد. «رواسی» به معنای «ریشه کوه‌ها و صفحات زیرزمینی» است، که حرکت‌ناپذیر بوده و حتی در تحولات و فروپاشی قیامت از زوال و سستی در امان است. خداوند از «رواسی» فقط در هنگام مراحل خلقت صحبت کرده و کارکرد آن نیز حفظ زمین از زوال و نابودی است، برخلاف «جبال» که بیشترین به‌کارگیری آن درباره قیامت و فروپاشی‌های آن و نیز در اشاره به موارد ظاهری آن چون نماد «قدرت، عظمت و تسخیر و نیز سخن گفتن از سیر و حرکت آن» به کار رفته است. در روایات و یافته‌های نوین علم زمین‌شناسی نیز، مؤیدات قابل توجهی در این باره وجود دارد. کشف تفاوت و اختلاف معنایی واژگان به ظاهر هم‌معنا، سبب تجلی معارف ناب قرآنی و کشف نکات بدیع تفسیری خواهد شد.

واژه‌های کلیدی

معنای لغوی، جبال، رواسی، تفسیر قرآن به قرآن، علوم تجربی.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عرب، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.
۲. استادیار گروه تفسیر، دانشکده علوم قرآنی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، کرمانشاه، ایران.

نویسنده مسئول:

زهره نریمانی

رایانامه: narimani@quran.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۲

استناد به این مقاله:

فیروزمندی بندپی، جعفر و نریمانی، زهره (۱۴۰۳).
واکاوی مفهوم واژگان «جبال» و «رواسی» در
قرآن و تبیین تفاوت ماهیتی آنان براساس
دستاوردهای علوم تجربی. پژوهشنامه تفسیر و
زبان قرآن، ۱۳(۲)، ۱۰۱-۱۱۳.
(DOI: 10.30473/quran.2025.69475.3324)

مقدمه

بدیهی است که انتخاب واژگان قرآنی، حکیمانه و به جهت القای مفاهیمی خاص و ویژه به کار رفته است که جدای از اتقان واژگان در حوزه مباحث اعتقادی و دینی، در حوزه علوم بشری و طبیعی نیز تبیین‌گر آخرین دستاوردهایی است که امروزه علم نوین بدان دست یافته است. بر این اساس، هرکدام از واژگان قرآنی، مأموریت خاصی در تبیین مفاهیم برعهده دارد. بیان قرآنی همان حقیقتی است که می‌بایست در آنچه درباره‌اش اختلاف ورزیده‌اند حرف آخر را بزند، هنگامی که همگان را به رازهای نهفته در «کلمه‌ای» رهنمون می‌گردد که هیچ یک از واژه‌هایی که آنها را مرادفش خوانده‌اند، نمی‌تواند بر جای آن نشیند (بنت الشاطی، ص ۱۲۰). از این رو برای رسیدن به معنای صحیح و منظور خداوند در قرآن، فهم تک‌تک واژگان ضروری بوده تا در پی آن، حقیقتی از حقایق آیه و درنهایت کتاب خدا بر ما آشکار شود. در این مسیر، دانشمندان قرآنی پیشین، با نگاشتن کتب مفردات قرآن سعی در کشف حقایق واژگان آیات خدا داشته‌اند. این تلاش پیشینیان در نوع خود شایسته تقدیر است، اما با توجه به گستردگی علوم و دانش‌های زبان‌شناختی و نیز تفسیر قرآن، این کارها نه تنها کافی نبوده بلکه در مواردی نیازمند نقد و اصلاح هم هستند. به همین سبب، پرداختن به واژگان ظاهراً مترداف در قرآن، گامی مؤثر در این زمینه محسوب می‌شود. پژوهش حاضر نیز بر اساس فهم دقیق واژگان و تفسیر قرآن به قرآن، به بررسی دو واژه از واژگان قرآن یعنی «جبال و رواسی» که در ظاهر یک معنا را افاده نموده اما در حقیقت خود، معنایی متفاوت از هم دارند؛ مبادرت ورزیده است.

در آیاتی که از واژه «جبل و رواسی» و مشتقات آنها استفاده شده است، عموم مفسران و مترجمان همه را در معنای «کوه» به کار برده و هیچ‌گونه تفاوت ماهوی بین آنها برقرار نساخته‌اند! نهایت توجه و دقتی که برخی از مفسران در این باره نسبت به این واژگان داشته‌اند این بوده که در هنگام تفسیر «رواسی» به کوه آن‌را با صفات «راسیه» و ثابت همراه ساخته و دوباره این واژه را بدون توضیح و تبیین در تفسیر بازتاب داده‌اند (طوسی، بی‌تا، ج ۶، صص ۲۱۵، ۲۲۷. ابن عاشور، ج ۱۳، ص ۹۷). برخی دیگر نیز، خود کوه‌ها را به‌عنوان لنگرگاه زمین گرفته‌اند. (طبرسی، بی‌تا، ج ۲۲،

ص ۱۷).^۳ برخی نیز رواسی را صفت محذوف یعنی «جبالاً رواسی» دانسته‌اند (رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۱۶). برخی دیگر از مفسران معاصر سعی نموده‌اند با توجه به علوم جدید به این مسئله توجه داشته باشند، اما موفق به کشف حقیقت رواسی و تفاوت آن با جبال نشده‌اند و فقط به چگونگی تشکیل کوه از منظر علوم جدید پرداخته‌اند^۴ (قطب، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۲۱۶۴).

شاید بتوان گفت در میان مفسران، «طبری» به اجمال میان جبال و رواسی تفاوتی قائل شده است، اما نتوانسته آن‌را بسط داده و تفاوت آنها را به خوبی تشریح نماید، به همین دلیل فقط به این عبارت اکتفا نموده و گفته است: (أن ألقى في الأرض رواسی، و هي جمع راسیة، و هي الثوبت في الأرض من الجبال) (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۴، ص ۶۲).

مترجمین نیز به همین روال، «رواسی» را همان «کوه‌ها» دانسته‌اند که گاه با صفات استوار و پایدار آن‌را همراه ساخته‌اند (برای نمونه رک. ترجمه‌های قرآن صادقی تهرانی، ۱۳۹۲، ص ۵۳۶، الهی قمشاهی، ص ۲۶۹). برخی نیز آن را به بزرگ ترجمه کرده‌اند (ترجمه کاشف، ج ۴، ص ۷۷۴، بیان السعاده، ج ۸، ص ۹۷). به هر حال آنچه مسلم است در میان مفسران و مترجمان، حقیقت واژه «رواسی» در آیات قرآن مخفی مانده است و همگی آن‌را با «جبال» یکسان دانسته و تمایزی بین آنها قائل نشده‌اند. این در حالی است که تقریباً عموم قرآن‌پژوهان بر این امر اتفاق نظر دارند که دو واژه کاملاً یکسان، در قرآن وجود ندارد. حال در این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی، و استفاده از روش کارآمد تفسیر قرآن به قرآن این بار با تمرکز بر واژگان، افزون بر اثبات یکسان نبودن معنای این دو واژه، به تبیین و تفاوت ماهوی این دو پدیده طبیعی هم اشاره خواهد شد.

پیشینه پژوهش

در فهم معنای واژگان قرآن، مقالات بسیاری نوشته شده است. اما با تتبع نگارنده، واژگان «جبال و رواسی» تاکنون مورد واکاوی و تعمق قرار نگرفته است. در این پژوهش برآنیم براساس روش تفسیری قرآن به قرآن، و با تکیه بر بررسی لغوی، به معنای حقیقی و تفاوت‌های این دو واژه به‌ظاهر هم‌معنا دست یابیم.

۳. «وَ جَعَلَ فِيهَا رَوَاسِي مِّنْ فَوْقِهَا يُعْنَىٰ فِي رُؤْيِ زَمِينِ كَوَاهِي ثَابِتٍ بِعَنْوَانِ لَنْغَرِ آنْ». آفریده است.

۴. و في مقابل الجبال الرواسي يوجه النظر إلى الأنهار الجوارِي، و السبل السوالك. و الأنهار ذات علاقة طبيعية في المشهد بالجبال، ففي الجبال في الغالب تكون منابع الأنهار، حيث مساقط الأمطار. و السبل ذات علاقة بالجبال و الأنهار. و ذات علاقة كذلك بجو الأنعام و الأحمال و الانتقال. و إلى جوار ذلك معالم الطرق التي يهتدي بها السالكون في الأرض من جبال و مرتفعات و منفرجات، و في السماء من النجم الذي يهتدي السالكين في البر و البحر سواء.

۱. ادعای مطرح شده بر اساس مطالعه موارد متعددی از تفاسیر شیعه و سنی و نیز ترجمه‌های گوناگون قرآن به زبان فارسی است.

۲. «وَ جَعَلَ فِيهَا رَوَاسِي» یعنی جبالاً راسیات ثابتات، يقال: رسي هذا الوند و أرسيته. و واحد (الرواسي) راسية».

«جبال و رواسی» از نظر لغوی

جبال و أجبال، جمع «جبل» است که در قرآن واژه «جبل» به صورت مفرد، تنها ۶ مرتبه به کار رفته است. در کتب لغت، جبل را در اصل به معنای تجمیع چیزی در ارتفاع گرفته‌اند و بر همین اصل، جبل را بر جماعت بزرگ و انبوه و نیز شتری که کوهانش بسیار برآمده باشد اطلاق نموده‌اند (معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص: ۵۰۲، کتاب العین، ج ۶، ص ۱۳۶). کتب لغت از چیزی که زمین را محکم گرداند نیز به عنوان جبل یاد می‌کنند (لسان العرب، ج ۱۱، ص: ۹۷، العین، ج ۶، ص ۱۳۶). «رواسی» نیز جمع «راسیة» از ریشه «رسا، رسو» به معنای «استوار گردانیدن و ثابت کردن» است. عرب این واژه را برای کوه (لسان العرب، ج ۱۴، ص ۳۴۱) ناظر بر ثبات آن در زمین و حرکت نکردن آن به کار می‌برد (العین، ج ۷، ص ۲۹۰). استعمال دیگر این واژه در زبان عربی برای «قدم»، به معنای استواری در کاری است (العین، ج ۷، ص ۲۹۰؛ مجمع البحرین، ج ۱، ص ۱۶۸).^۳ افزون بر آن، استفاده این واژه به شکل (مرساة) برای کشتی است که در زبان فارسی از آن به «لنگر» یاد می‌شود^۴ (جوهری، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۲۳۵۶). نکته مهم در لغت «راس» آن است که این واژه صرفاً برای اجسام بزرگ و سترگ مانند کوه به کار می‌رود و هرگز برای دیوار و... استفاده نمی‌شود (الفروق فی اللغة، ص ۲۹۷) و اگر برای کشتی نیز استفاده شده یا به جهت تشبیه آن به کوه از حیث بزرگی و عظمت است (همان) و یا به دلیل کارایی مشابهی است که برای کشتی و رواسی وجود دارد و در ادامه بحث بدان خواهیم پرداخت. از آنچه آمد می‌توان این‌گونه برداشت نمود که «جبل» در لغت، شیء و یا جماعت انبوه و سترگ است که به سهولت قابل رؤیت بوده و در اصطلاح نیز همان کوه معهود و مشهود است که به‌مثابه، شیئی بزرگ و انبوه در روی زمین جلوه نموده است و ما آن را در پوسته زمین مشاهده می‌نماییم. «رسا، رسو» نیز در لغت در کاربست محکم کردن و نگه داشتن چیزی به کار رفته است و هرگاه در اصطلاح، از آن برای کوه یا قدم و.. استفاده کرده است، در معنای استحکام، قدرت و نگه داشتن است.

کاربردهای واژه جبال در قرآن

جبل در تمام وجوه استعمالی آن (الجبال، جبال، جبل)، ۴۱ بار در ۳۳ سوره و ۳۹ آیه قرآن آمده است. از این واژه خداوند برای وجوه متعدد معنایی بهره برده است. در تقسیم‌بندی مفهومی این آیات می‌توان گفت جبل در ۵ ویژگی و کاربرد در قرآن به کار رفته است که در ذیل توضیح این موارد خواهد آمد.

۱. کاربرد «جبل» در معنای عظمت و بزرگی

استعمال واژه «جبل و جبال» در قرآن در ۸ مورد، بیانگر نوعی عظمت و بزرگی و تمثیل به آن است. برای نمونه آیه: (تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَ تَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا) (مریم: ۹۰) که در مقام بزرگ شمردن گناه بوده، لذا آن را به اموری محسوس چون «متلاشی شدن آسمان، شکافتن زمین و در نهایت فرو ریختن کوه‌ها» مثل زده است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۱۵۳). از جمله آیات دیگر ناظر بر این معنی، آیات (احزاب: ۷۲؛ هود: ۴۲؛ رعد: ۳۱؛ ابراهیم: ۴۶؛ اسرا: ۳۷؛ حشر: ۲۱؛ غاشیة: ۱۹) است. در همه این آیات از کوه به عنوان شیئی بزرگ و با عظمت یاد شده است که خداوند با نشان دادن و نام بردن از آن، سعی بر نمایش عظمت آن برای انسان نیز دارد.

۲. کاربرد «جبل» به عنوان مخلوق و نعمت الهی

معنای و مفهوم دیگری که برای جبل در قرآن استفاده شده است، برشمردن آن به‌عنوان نعمت الهی در کنار دیگر نعمات ویژه است. نعمتی چون «قرار دادن خانه و مسکن از کوه‌ها، مسخر شدن برای عموم بشر و به‌طور ویژه برای حضرت داود». مسلم است که خداوند در قرآن کریم بنای احصاء همه نعمات را نداشته است و فقط در پاره‌ای از موارد به ذکر اهم آنها اقدام نموده است. و از آنجا که ۱۲ بار از نعمت «جبال» سخن گفته است، می‌توان آن در شمار نعمات بسیار ویژه خداوند بر روی زمین به‌شمار آورد. این آیات شامل موارد ذیل است: (حجر: ۸۲؛ نحل: ۶۸ و ۸۱؛ انبیاء: ۷۹؛ حج: ۱۸؛ سبأ: ۱۳؛ شعراء: ۱۴۹؛ نور: ۴۳؛ فاطر: ۲۷؛ ص: ۱۸؛ نبأ: ۷؛ نازعات: ۳۲).

۳. کاربرد جبل به‌عنوان یکی از مظاهر و شگفتی قیامت در

حالات مختلف

استفاده دیگر خداوند از واژه الجبال در قرآن، به‌کارگیری آن در هنگامه توصیف قیامت و برهم ریختن نظام طبیعت در ۱۱ آیه است. این استفاده برای کوه‌ها در حالات متعدد چون از جای کنده

۱. رَسَا الْجَبَلُ يَرْسُو إِذَا ثَبَتَ أَسْلُهُ فِي الْأَرْضِ، وَ جِبَالٌ رَاسِيَاتٌ. وَ الرَّوَّاسِي مِنَ الْجِبَالِ: الثَّوَابِثُ الرَّوَّاسِي.

۲. رَسَا الْجَبَلُ يَرْسُو، إِذَا ثَبَتَ أَسْلُهُ فِي الْأَرْضِ.

۳. رَسَتْ أَقْدَامُهُمْ فِي الْحَرْبِ.

۴. وَ رَسَتْ السَّفِينَةُ تَرْسُو تَرْسُو، أَيْ وَقَفَتْ عَلَى اللَّجْنِ.

۱. کاربرد «رسو» برای روز قیامت

از موارد به کارگیری ریشه «رسو» در شکل «راسیات» به عنوان وصفی از اوصاف قیامت، در معنای «اثبات نمودن و استوار کردن»، می‌توان به آیات «اعراف: ۱۸۷ و نازعات: ۴۲» اشاره نمود: (يَسْتَأْذِنُكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا. "مُرسى" اسم زمان و مکان و مصدر میمی از "ارسیتُ الشیء" است که به معنای "اثبات کردم آن را" است، و معنای آیه این است که: "از تو می‌پرسند وقوع و ثبوت قیامت چه وقت است" (طباطبائی، ۱۳۷۴ هـ ج ۸، ص ۴۸۲). تفاوت استفاده از این واژه در باب قیامت با واژه «جبال» در آن است که جبال به صورت اسمی و به عنوان یکی از مظاهر مهم قیامت که دستخوش ویرانی خواهد شد در قرآن استفاده شده است، ولی «مرساها» نه وصف مظهر یا پدیده خاصی در قیامت، که به عنوان صفت خود قیامت و در معنای ثبوت و وقوع اصل قیامت است.

۲. کاربرد «رسو» برای کشتی

یکی دیگر از استفاده قرآن از مشتقات «رسو» برای کشتی به معنای لنگر و وسیله‌ای است که کشتی را ثابت و استوار نگه می‌دارد. کلمه "مرسا" مصدر میمی - از باب افعال - و به معنای «ارساء» و مرادف آن است، و ارساء به معنای متوقف کردن و ثابت نگه داشتن کشتی است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۳۴۲). به عبارت دیگر «ارساء»، نگهداشتن کشتی است به وسیله‌ای که آن را نگاه دارد (طبرسی، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۵۷). این استفاده در آیه ۴۱ هود در ماجرای کشتی نوح به خوبی پیداست: (وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ). تقابل این واژه با «مَجْرَاهَا» به خوبی ماهیت آن را روشن می‌کند؛ چرا که «مَجْرَاهَا» به فتحه میم، مصدر میمی از ثلاثی مجرد و به معنای «جریان و سیر و حرکت کشتی» یا به ضمه میم و مصدر میمی از باب افعال - و به معنای «اجراء و سوق دادن و به پیش راندن کشتی» است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۳۴۱). و در هر صورت به معنای غیر ثابت بودن و حرکت و تکان خوردن می‌باشد.

۳. کاربرد «رسو» به عنوان نعمت

یکی دیگر از استفاده‌های قرآن از ریشه «رسو» و مشتقات آن، به عنوان یکی از نعمات الهی است. خداوند در چند آیه از وجود «رواسی» به عنوان نعمت خود همراه دیگر نعمات یاد نموده است. این آیات شامل موارد ذیل است: (رعد: ۳؛ حجر: ۱۹؛ نحل: ۱۵؛ انبیاء: ۳۱؛ نمل: ۶۱؛ لقمان: ۱۰؛ فصلت: ۱۰؛ ق: ۷؛ مرسلات: ۲۷؛

شدن، به راه افتادن، فروپاشی و در نهایت متراکم شدن کوه‌ها در هواس. آیات مربوط به این مفهوم شامل (کهف: ۴۷؛ طه: ۱۰۵؛ طور: ۱۰؛ واقعه: ۵؛ حاقه: ۱۴؛ معارج: ۹؛ مزمل: ۱۴؛ مرسلات: ۱۰؛ نبأ: ۲۰؛ تکویر: ۳؛ قارعه: ۵) است.

۴. کاربرد «جبل» به عنوان یکی از مظاهر طبیعت

یکی دیگر از استفاده‌های قرآن از واژه جبل، در ۶ آیه برای توصیف یک امری طبیعی و عادی است. از نمونه‌های این آیات (بقره: ۲۶۰ اعراف: ۷۴ و ۱۴۳ و ۱۷۱ هود: ۴۳؛ نمل: ۸۸) است که خداوند در این آیات در خلال موضوعات و مطالب گوناگون چون ماجرای قطعه قطعه کردن پرندگان حضرت ابراهیم و یا حضور قوم موسی در کوه طور و... با اشاره به یک کوه به ادامه داستان خود می‌پردازد.

۵. کاربرد «جبل» در معنای خلقت

یکی دیگر از معانی جبل، جماعت انبوه است که در قرآن با استفاده از واژه «جبله» در دو آیه (وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبَلًا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ) (یس: ۶۲) (وَأَنْتُمْ أَلَّذِي خَلَقْتُمْ وَ الْجِبَلَةَ الْأُولِينَ) (شعراء: ۱۸۴) به کار رفته است. جبلاً به معنای خلق فراوان و جماعت انبوه و جمع افرادی است که طبیعت و سرشتشان یکسان است. (طبرسی، بی‌تا، ج ۲۰، ص ۴۲۷؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۱۵۳).

در استفاده قرآن از واژه «جبل» چند نکته آشکار می‌شود:

۱. در جبل و واژه‌های مستفاد از آن در قرآن، اصل بزرگی و آشکار بودن وجود دارد که به دلیل همین دو عنصر به «جماعت بسیار و کوهان برآمده شتر» هم «جبل» اطلاق شده است.
۲. برای ذکر اوصاف قیامت، خداوند از فروپاشی کوه (جبل) در حالات متعدد سخن به میان آورده است تا با فروپاشاندن آن موجود عظیم و آشکار، به عظمت قیامت اشاره کرده باشد.
۳. هرگاه سخن از کوه شده است هرگز با حرف جاره «فی» نیامده است بلکه از حروف «علی، إلی، لِ، مِنْ، عن» استفاده شده است که همه این حروف جاره خبر از ظاهر و آنچه آشکار است، دارد.

کاربردهای واژه «رواسی» در قرآن

رسو، در تمام وجوه استعمالی آن ۱۴ بار، در ۱۳ سوره و ۱۴ آیه به کار رفته است. از این واژه نیز خداوند برای وجوه معنایی متعددی بهره گرفته است. در تقسیم‌بندی مفهومی این آیات، می‌توان گفت «رسو» در توصیف قیامت به صورت فعلی و در معنای فعلی آن، و در توصیف کشتی، به عنوان نعمتی از نعمات الهی، و وصفی برای اشیاء سنگین استفاده شده است.

۱. ثبات رواسی، حرکت و نابودی جبال

یکی از مهم‌ترین تفاوت آشکار «جبل و رواسی» در حرکت و ثبات آن است. قرآن در آیه: (و تَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَ هِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ) (نمل: ۸۸) به حرکت کوه‌ها در روی زمین اشاره دارد. هرچند برخی از مفسران چون علامه (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۵۷۴) و طبرسی (طبرسی، بی‌تا، ج ۱۸، ص ۱۵۰) بر آن هستند که این آیه از اوصاف قیامت است، ولی دلایل متعددی وجود دارد که این آیه درباره کوه‌ها ناظر بر حرکت و سیر آنها در روی زمین قبل از قیامت است. دلایل به قرار ذیل است:

اول: قرآن هنگام سخن گفتن از حرکت کوه‌ها به معنای راه افتادن محسوس آنها چه در قیامت و چه در غیر قیامت از «سیر» و مشتقات آن استفاده می‌کند. برای نمونه در آیه: (و لَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلِمَةٌ بِهِ الْمَوْتَى بَلْ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا) (رعد: ۳۱)، که درباره اعجاز قرآن و انکار کفار است از واژه «سیرت» استفاده نموده است. در موارد دیگر که درباره قیامت و مظاهر شگفتی آن است، همواره در مسئله حرکت کوه از مشتقات «سار سیر» استفاده نموده است. (کهف: ۴۷؛ طور: ۱۰؛ نبا: ۲۰؛ تکویر: ۳). و این در حالی است که در آیه ۸۸ نمل و چند آیه دیگر چون (بقره: ۲۵۹؛ اعراف: ۱۸۹؛ هود: ۳۸؛ یوسف: ۱۰۵؛ فرقان: صافات: ۱۳۷؛ مطفین: ۳۰) از واژه «تمر» بهره برده است. وجه مشترک همه این آیات، عبور کردن آرام و شاید نامحسوس است. شاید هم واژه (مره، مرتین، مرات) به دلیل همین توالی و حرکت نامحسوس برای واژه «بار» انتخاب شده است. افزون بر آن در کلمه «مستمر» در زبان عرب و نیز قرآن (قمر: ۲ و ۱۹) به خوبی همان عنصر معنایی نهفته در واژه مرور را نشان می‌دهد. این در حالی است که قرآن پیوسته رواسی را با امور ثابت همنشین ساخته است تا متذکر شود که رواسی برخلاف جبال، پدیده‌هایی ثابت و نامتحرک می‌باشند. ضمن آنکه تکرار و همنشینی مکرر جبال با حرکت و سیر؛ به عنوان یک امر لازم با آن، می‌تواند رهنمون‌گر ما بدین حقیقت باشد که جبال و رواسی، دو حقیقت متفاوت و مخالف هم هستند.

نازعات: ۳۲). در این آیات نعمت «رواسی» با افعال «ألقی و جعل» و در کنار «أنهار» و با حرف جار «فی» آمده است که در بخش‌های بعدی درباره آن مفصل صحبت خواهد شد.

۴. کاربرد «رسو» برای توصیف اشیاء سنگین

یکی دیگر از کاربردهای مشتقات «رسو»، استفاده از واژه «راسیات» برای ظرف‌های بزرگ و دیگرهای مخصوصی است که اجنه برای حضرت سلیمان درست کرده‌اند، به گونه‌ای که قابل نقل و انتقال نبوده و در جای خود ثابت و استوار مانده‌اند. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۵۴۸). این کاربرد فقط یکبار آن‌هم در سوره (سبأ: ۱۳) بوده است. در استفاده قرآن از مشتقات ریشه «رسو» چند نکته آشکار می‌شود:

۱. به کارگیری واژه «رسو» در تمامی وجوه معنایی آن، در اصل «ثبات و تزلزل‌ناپذیری و سبب ثبات دیگری» با هم اشتراک دارند. در تمام وجوه و مشتقات آن، به معنای «محکم نمودن و ثابت نگه داشتن چیزی» به کار رفته است. این اشتراک معنایی، برگرفته از جوهر معنایی نهفته در اصل واژه «رسو» است که پیش از این درباره آن سخن به میان آمد.

۲. «رسو» در ساختار فعلی نیز استفاده شده است.

۳. هنگام استفاده «رواسی»، حرف جار «فی» همراه شده است که ناظر بر عمق و اندرونی شیئی است که قابل رؤیت نیست، برخلاف «جبال» که با واژگان «علی و إلی و...» همراه شده بود و ناظر بر امری ظاهر و آشکار است.

۴. همراهی واژگان «رواسی» و «أنهار» در آیات متعدد با حرف جار «فی» (رعد: ۳؛ نحل: ۱۵؛ نمل: ۶۱؛ مرسلات: ۲۷) خبر از وجود رواسی در کنار رودها در بطن زمین دارد.

۵. در عموم موارد، «رواسی» برای ماجرای خلقت و با افعال «ألقی» و «جعل» به کار رفته است.

تفاوت‌های «جبال» و «رواسی» در قرآن

میان واژگان «رواسی و جبال»، و همه واژگان قرآنی به ظاهر مترادف یا هم معنا، قطعاً تفاوت‌های مبنایی وجود دارد. بهترین راه‌حل کشف این تفاوت‌ها، مراجعه به قرآن و آیات مربوط بدانهاست تا با بررسی کم و کیف آیات و واژگان مورد نظر، تفاوت‌های آن واژگان کشف و در پی آن، فهم صحیح از آیات کسب گردد. جبال و رواسی نیز با توجه به آیات قرآن، از تفاوت‌های مهم و ساختاری برخوردار است که در ذیل به موارد مهم آن اشاره می‌شود.

۱. در این باره آراء و نظریات متعددی ارائه شده است. برای مطالعه بیشتر، حرکت کوه‌ها از منظر علم قرآن کریم و زمین‌شناسی، محمدتقی دیبلی، حسن علیزاده، علی اصغر شعاعی، دوفصلنامه علمی پژوهشی تفسیر و زبان قرآن، شماره پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳.

نظریه‌های عمومی بوده و اخیراً به این موضوع پی برده‌اند که بخشی از هر کوه زیر سطح زمین قرار دارد» (گاموف، ۱۳۳۷: ۱۲۶). این درحالی است که قرآن کریم، چهارده قرن پیش، پرده از این راز بزرگ برداشته و کوه‌ها را میخ‌های زمین معرفی کرده است؛ زیرا اینکه خداوند کوه‌ها را میخ‌های زمین قرار داده برای این است که اجزایش درحال حرکت از هم متلاشی نشوند.

۲. تفاوت در نوع بیان نعمت در واژگان رواسی و جبال

نعمت وجود کوه‌ها و رواسی از جمله نقاط مشترک این دو مقوله است. اما در این اشتراک، افتراقات مهمی نهفته است که خبر از تفاوت ماهوی این دو دارد. نعمت بودن «رواسی» در کنار «أنهار» عموماً با حرف جار «فی» به کار رفته است، و صرفاً در یک مورد از حرف جار «لِ» (نمل: ۶۱) استفاده شده است. دیگر آنکه برای برشمردن نعمت «رواسی» از افعال «جعل» و «ألقى» استفاده شده، درحالی که برای جبال از افعال نصب (غاشیه: ۱۹) و ارسا (نازعات: ۳۲) استفاده کرده است. در سوره غاشیه از نصب کوه‌ها: (وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ) سخن گفته است که «نصب» هم در لغت، هر چیز بالاتر و بلندتر قرار دادن آن است، مثل قرار دادن و بلند کردن نیزه یا سنگ و «نصیب» هم سنگی است که بر بالای چیزی قرار دهند. (راغب، ۱۳۸۳، ج ۴، ص: ۳۴۲). در وصفی دیگر برای جبال در آیه ۷ سوره نبا «لواتاداً» به معنای میخ به کار رفته است. «وتد» نیز در عربی به معنای شیئی است که شیء دیگر را در زمین یا دیوار ثابت و محکم می‌گرداند. وَتَدَّ الْوَتِدُ وَتَدَأً وَتَدَةً وَ وَتَدَّ كَالهَمَا: تَبَّتْ، وَ وَتَدَّتْهُ أَنَا أَيْدُهُ وَتَدَأً وَ تَدَةً وَ وَتَدَّتْهُ: أَتَبَّتْهُ (ابن منظور، ۱۴۱۶: ج ۳، ص ۴۴۴). این وصف قرار دادن کوه را به عنوان میخ برای زمین به طور ضمنی، نشان از وجود شیئی بزرگتر و عظیم‌تر از کوه در زیر کوه است که خداوند کوه‌ها را در آن شیئی بزرگ کوبیده و ثابت قرار داده است. این شیء بزرگ همان رواسی است که کوه‌ها در آن محکم شده‌اند: «وَالْجِبَالُ أَرْسَاهَا». (نازعات: ۳۲). متذکر می‌شوم که «لواتاداً» نه در معنای رواسی بلکه ناظر به کارکرد و ویژگی رواسی است که خداوند در آیه ۷ سوره نبا به‌جای رواسی، بدان اشاره داشته است.

استفاده فعلی از واژه «رسو» برای جبال

یکی از تفاوت‌های مهم واژگان «جبال و رواسی» آن است که از ریشه «رسو» برای «جبال» در چند موضع به صورت فعلی استفاده شده است. بدین معنا که خداوند کوه‌ها را در زمین آرسی (ریشه‌دار)

دوم: سیاق آیات (۸۶ تا ۸۹ نمل) بر آن است که خداوند در پی برشمردن نعمات و نشانه‌های مهم و البته پنهان خود بر بندگان است. در آیه ۸۶ از نعمات شب و آرامش یافتن در آن، و از نعمت روز و روشن‌بخشی آن سخن به میان آورده است: (أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنُوا فِيهِ وَ النَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ) در ادامه که بحث روشنی و روشنگری مطرح شده است به نعمت روز قیامت اشاره نموده است: (وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَ كُلُّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ) و در ادامه به برشمردن دیگر نعمات الهی یعنی ایستا بودن کوه‌ها در نگاه اول و نعمت دوم حرکت و سیر نامحسوس آن در حقیقت اشاره شده است.

سوم: وجود فراز پایانی آیه: (صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَنْفَعَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ) که حکایت از ثبات و استحکام خلقت است، می‌تواند بیشتر با جهان کنونی و اداره و امور آن هماهنگ‌تر باشد تا روز قیامت که بیشتر از هر چیز با فروپاشی و دگرگونی سازگارتر است. در تمامی مواردی که از لفظ «جبال» نام برده شده، جز در یک مورد که به صورت (واتادا) بیان گردیده، دیگر موارد، جمله‌گی به «زوال و فنا و قابل فروپاشی و متلاشی شدن کوه‌ها» اشاره دارد و در هیچ‌کدام از آیات، اشاره‌ای دال بر اینکه کوه‌ها مانع لرزش و اضطراب زمین می‌شوند وجود ندارد متصور شده است که نشان می‌دهد کارکرد اصلی و هدف غایی از خلقت رواسی، حفظ و نگهداری زمین از اضطراب و ناآرامی است. ذکر واژه (واتادا) نشان می‌دهد که کوه‌ها نه همین نمای بیرونی و قابل رؤیتی است که به‌خاطر سنگینی و عظمت آنها، مایه استحاح و ثبات زمین است، بلکه بخش مهم و اعظم این سازه، در اعماق زمین و به عنوان لنگری وزین، حفظ تعادل و قوام زمین را برعهده دارد. و فرو رفتن میخ در چوب یا سنگ، نشانگر فرو رفتن ریشه کوه‌ها در اعماق زمین و مأموریت خاص آن است که در مواضع دیگر قرآن با نام (الرواسی) از آن یاد شده است. آیه شریفه (أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا) (نبا: ۶ و ۷)، ضمن تشبیه کوه‌ها به میخ، به ریشه‌های فرورفته آنها در اعماق زمین به عنوان یکی از آیات علمی و اعجاز‌آمیز قرآن اشاره کرده است؛ زیرا حدوداً تا یک قرن پیش، دانشمندان، کوه‌ها را توده‌های سنگ عظیمی می‌پنداشتند که مانند تپه‌های مصنوعی روی زمین ریخته شده‌اند. اما اخیراً پی برده‌اند که قسمت عمده هر کوهی، زیر سطح زمین قرار دارد (بی‌آزار شیرازی، بی تا: ۱۸)، چنانکه «جورج گاموف» استاد دانشگاه واشنگتن می‌نویسد: «نظریه سطحی بودن کوه‌ها در زمین‌شناسی، یک قرن پیش از

ابلاغ و... از این مفهوم ریشه‌ای در این ماده نشأت گرفته‌اند. بنابراین واژه «القی» می‌تواند هر دو معنای «انداختن و افکندن» (لزوماً به معنای انداختن از بالا به پایین نیست و می‌تواند در جهات مختلف باشد) را تبیین نماید، زیرا چنین خصوصیتی در معنا و کاربردهای این واژه ذکر نشده، بلکه گفته شده که به هر انداختنی اطلاق می‌شود که این موضوع در آیه: (وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَآلْتَمَعُوا بِالْعِزَّةِ وَآلْتَمَعُوا بِالْعِزَّةِ وَآلْتَمَعُوا بِالْعِزَّةِ) (مائده: ۶۴) دیده می‌شود که منظور از «القاء» افکندن معنوی است.

البته مفهوم انداختن و افکندن در غیر از بحث «رواسی» در برخی دیگر از آیات کریمه نیز بیان شده است. جایی که قرآن کریم درباره پیشگویی از آینده زمین در آستانه قیامت می‌گوید: «وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ» (انشقاق: ۴): «و آنچه در درون دارد بیرون افکنده و خالی شود». در هر دو فعل به کار رفته برای رواسی «جعل و ألقى»، «قرار دادن چیزی خارج از شیء اصلی» وجه اشتراک آن دو تلقی می‌شود، بدین معنا که «رواسی» چیزی غیر از زمین بوده و خداوند آن را در داخل زمین قرار داده یا انداخته است. متذکر می‌شویم که با توجه به مفهوم لغوی واژگان «القی و جعل» و هم‌نشینی آن با واژه «رواسی»^۱ و با توجه به اینکه هیچ دو واژه‌ای در قرآن با هم مترادف تام و هم‌پوشانی معنایی کامل ندارند و قطعاً ویژگی خاصی در فعل «القی» هست که فعل «جعل» حاوی آن نیست، شاید بتوان چنین استنباط کرد که ذکر دو فعل متفاوت «القی» و «جعل» به همراه رواسی، ممکن است بیانگر مراحل مختلف شکل‌گیری «رواسی» و ویژگی‌های خاص آن باشد که در دو مرحله شکل گرفته باشد. لذا می‌توان گفت که فعل «القی» در واقع به معنای «جعل» و حکایت از ایجاد و شکل‌گیری «رواسی» داشته باشد، با این تفاوت که خداوند با به کار بردن تعبیر «القی» به این مسئله نیز اشاره‌ای دارد که منشأ تشکیل رواسی در واقع همان حرکت و جا به جایی و مواجهه چیزهایی در زمین است. به عبارت دیگر فعل «القی» بار معنایی بیشتری را به مخاطب القا کرده و علاوه بر اشاره کلی به ایجاد و شکل‌گیری (جعل) رواسی، به جزئیاتی از نحوه این شکل‌گیری که در اثر جابه‌جایی صفحات زمین بوده، نیز اشاره دارد. این نکته نیز شایان ذکر است که جابه‌جایی و حرکتی که در فعل «القی» نهفته است، می‌تواند هر دو جابه‌جایی افقی و عمودی را در برگیرد، زیرا چنان‌که گفته شد، محدودیتی از نظر جهت حرکت و افکندن در معنای این فعل وجود ندارد. صاحب تفسیر «بحر المحیط» به نقل از ابن عطیه

نموده است (نازعات: ۳۲). این ریشه‌ها در واقع همان رواسی هستند که در آیات دیگر بدان اشاره شده است. «رواسی» در این آیه، به دلیل کاربرد فعلی، علاوه بر آنکه نشان‌دهنده ریشه‌دار نمودن کوه‌ها می‌باشد، بیانگر تمایز رواسی و جبال از همدیگر است.

۱. به کارگیری «جبال» برای قیامت، «رواسی» برای خلقت
همان‌گونه که پیش از این آمد؛ استعمال واژه «جبال» در موضوع قیامت، همواره در جلوه فروپاشی و از هم گسستن آنها و به عنوان نشانه‌ای از عظمت و هولناکی روز قیامت بیان شده است، درحالی که واژه «رواسی» در ۸ مورد از ۱۴ آیه، ناظر به خلقت و در کنار مقوله «مَدَّ الْأَرْضَ» به طور مکرر به کار رفته است. (رعد: ۳؛ حجر: ۱۹؛ نحل: ۱۵؛ انبیاء: ۳۱؛ لقمان؛ فصلت: ۱۰/ق؛ نازعات: ۳۲). پر واضح است که این تفاوت در کاربرست مواضع، بیانگر تفاوت ماهوی این دو پدیده است که خداوند در مواضع متفاوت از آنها یاد نموده است.

۲. به کارگیری افعال «القی» و «جعل» برای رواسی
استفاده از واژه «رواسی» برای ماجرای خلقت، و به کار بردن افعال «القی» و «جعل» یکی دیگر از نشانگان مهم برای حقیقت «رواسی» و تفاوت آن با «جبال» است. «جعل» در لغت به معنای قرار دادن است (ابن منظور، ۱۴۱۶، ج ۱، ص: ۱۱۰). «القی» نیز در لغت به معنای طرح کردن و انداختن است. (جوهری، ۱۴۰۴، ج ۶، ص: ۲۴۸۴). برخی دیگر از کتب لغت، این فعل را به معنای «روبه‌رو شدن و برخورد کردن با چیزی» دانسته‌اند (فراهیدی، ۲۱۵/۵؛ راغب اصفهانی، ۷۴۵). راغب می‌گوید: «القاء» به معنای افکندن و انداختن چیزی است به محلی که می‌بینی، سپس در عرف به هر انداختنی گفته شده است (راغب اصفهانی، ۷۴۵). اصل این ماده به معنای روبه‌رو شدن و مقابله به همراه ارتباط است و مفاهیم رؤیت، مواجهه و برخورد کردن از آثار این اصل است. اما وقتی این ماده به صورت متعدی به کار می‌رود، مفاهیم انداختن، افکندن، قرار دادن، رساندن یا املاء از آن استنباط می‌شود. متعدی به کار بردن «القاء» دلالت دارد بر قرار دادن شیئی در مقابل شیئی دیگر و این همان معنای جابه‌جا کردن است. بنابراین می‌توان گفت در تعبیر به انداختن و افکندن مسامحه وجود دارد و صحیح، همان جابه‌جا کردن است. (مصطفوی، ۲۲۷/۱۰) به عبارت دیگر می‌توان گفت از آنجا که مجرد این ماده به معنای روبه‌رو شدن با چیزی است، متعدی آن به معنای روبه‌رو کردن و قرار دادن دو چیز روبه‌روی هم است و مفاهیم انداختن، قرار دادن و

۱. «وَأَلْقَيْنَا فِيهَا زَوَاسِي» (ق: ۷): «وَجَعَلْنَا فِيهَا زَوَاسِي» (مرسلات: ۲۷)

شناخت عینی انسان از این پدیده طبیعی است، واژه «رواسی» در جلوه اسم نکره، بیانگر آن است که «رواسی» پدیده شناخته شده و مألوفی برای انسان نیست، زیرا تکوین آن مربوط به دوره‌ای است که انسان‌ها هنوز بر روی زمین ساکن نشده‌اند و از این رو، هیچ شناختی نسبت به «رواسی» و کارکرد و چگونگی آفرینش آن نداشته‌اند، برخلاف «جبال» که برای کوه‌ها در همه ادوار زمانی به کار رفته و یکی از این دوره‌ها، دوره استقرار انسان بر روی زمین است و عظمت آنها، یکی از نشانه‌هایی است که انسان را به خالق این جهان رهنمون می‌دارد. همچنین اگر «رواسی» را نیز گونه‌ای از کوه‌ها یا صرفاً کوه‌های رفیع و سر به فلک کشیده بپنداریم، آنگاه می‌بایست تغییرات عظیم و نابودی و فناپذیری این دسته از کوه‌های بزرگ در آیات قرآنی نیز بازتاب می‌یافت، زیرا با توجه به نص صریح قرآن که می‌فرماید: (يَوْمَ تَبْدُلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ) (ابراهیم: ۴۸)، دگرگونی گسترده در سطح زمین و صاف و هموار کردن آن و تبدیل به دشتی بدون پستی و بلندی هرگز میسر نیست، مگر با فروپاشی همه انواع کوه‌ها از جمله «رواسی و جبال». به همین خاطر عدم ذکر «رواسی» در حوادث قیامت، خود می‌تواند بهترین دلیل باشد بر اینکه لفظ «رواسی» غیر از لفظ «جبال» و مختصات خاص آن است. همچنین در بحث همنشینی واژگانی نیز، به کارگیری افعال متنوع با واژه «جبال» برخلاف «رواسی» می‌تواند تفاوت کاربردی آنها را آشکار سازد. زیرا لفظ «جبال» با فعل‌های متعددی که هریک بیانگر وضعیت و حالات مختلف کوه‌ها و تغییرات وارده بر آنهاست بیان گردیده است. لذا فعل‌هایی چون «بُسَّتْ، نُسْفَتْ، سَبَّرَتْ، تَجْرَفُ، تَنْحَتُ، دَكَّتْ، تَخْرُ، سَخَّرَ، تَزُولُ، تَبْلَغُ، تَجْرِي و...» همگی جهت توصیف و تصویر جلوه‌ای خاص از تغییرات ساختار کوه‌ها و یا بیان بزرگی و عظمت آن به کار رفته، حال آنکه چنین فعل‌هایی درباره «رواسی» و توصیف آن ذکر نشده است. بلکه افعالی که در قرآن، برای رواسی ذکر شده است پیوسته از ماده جعل (رعد: ۳؛ انبیاء: ۳۱؛ نمل: ۶۱؛ فصلت: ۱۰؛ مرسلات: ۲۷) و القاء (حجر: ۱۹؛ نحل: ۱۵؛ لقمان: ۱۰؛ ق: ۷) می‌باشند که پیش از آن درباره‌ی آن سخن رفت. از سوی دیگر برخی آیات، سیمای ظاهری کوه‌ها از فواصل دورتر از سطح زمین را ترسیم می‌کنند که چین و شکن کوه‌ها و پستی و بلندی آنها، چون امواج دریا می‌نماید که گاه ارتفاع می‌گیرد و گاه فروکش می‌کند: (وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ) (هود: ۴۲)، حال آنکه تصویری که از «رواسی» و فرو رفتن آن در عمق زمین که با استفاده از واژگانی چون «أَلْقَى» و «ضَمِيرِ فِي» ارائه شده و نیز غیر مألوف بودن برای انسان‌ها، نمی‌تواند به این ظرافت و دقت، تصویرگر امواج دریا و پستی و بلندی آن باشد.

معتقد است، برخلاف دیدگاه بسیاری از مفسران مبنی بر هم‌معنایی واژه «أَلْقَى» با فعل «جعل»، این فعل خاص‌تر از «خلق» و «جعل» است؛ زیرا «أَلْقَى» در آیه شریفه (أَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَارًا وَسُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ) (نحل: ۱۵) اقتضا می‌کند که خداوند کوه‌ها را نه از برخورد صفحات زمین، بلکه از قدرت و اختراع خودش پدید آورده است. و نیز اینکه اجماع همه مفسران، که واژه «وَأَنْهَارًا» را به تقدیر فعل «جعل یا خلق» دانسته‌اند، نشان‌دهنده خاص بودن فعل «أَلْقَى» است و اگر این فعل به معنای همان فعل «خلق» باشد، نیازی به این اضممار نبود. (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۶/۵۱۴). این درحالی است که خداوند برای جبال از افعالی چون «بُسَّتْ، نُسْفَتْ، سَبَّرَتْ، تَجْرَفُ، تَنْحَتُ، دَكَّتْ، تَخْرُ، سَخَّرَ، تَزُولُ، تَبْلَغُ، تَجْرِي و...» استفاده می‌نماید که در قسمت بعد به تشریح چگونگی و چرایی آن می‌پردازیم.

۳. کاربرد «جبال» در معانی ظاهری و خاص

تأمل در آیات مربوط به «جبال» نشان می‌دهد از آنجا که «جبال»: کوه‌ها» مظهر و نماد استواری و صلابت از دیدگاه انسان است، در روز قیامت و به هنگام تغییرات و دگرگونی‌هایی که در آسمان‌ها و زمین به وقوع می‌پیوندد، چونان هیمنه و اقتدارش در هم شکسته می‌شود که به تعبیر قرآن کریم، متلاشی شده و چون پشم زده شده، به هر سوی پراکنده می‌گردد. و یا در صحنه‌ای دیگر، کوه‌ها آنچنان به لرزه در آمده و به همدیگر کوبیده می‌شوند که به شکل توده‌هایی از شن نرم ظاهر می‌گردند و دیگر اثری از آن هیبت و عظمت برجای نمی‌ماند. بر این اساس، تغییر و دگرگونی چهره زمین، به خاطر «متلاشی شدن، درهم کوبیده شدن و از جا کنده شدن کوه‌ها، و نیز حرکت مواج این سازه‌های رفیع و متلاشی شدن به یکباره آنها»، صرفاً در جلوه کوه‌ها خودنمایی می‌کند، حال آنکه هیچ‌کدام از این تغییرات و دگرگونی‌های عظیم برای «رواسی» و صفحات مستحکم پوسته زمین تصور نشده است. از این رو می‌توان با توجه به ویژگی‌های جبال و رواسی، چنین استنباط نمود که «جبال» لفظ عامی برای کوه‌هاست که در سیاق‌های متفاوت و دوره‌های زمانی گذشته، حال و آینده به کار رفته و محدود به دوره خاصی نیست، اما واژه «رواسی» تنها محدود به دوره زمانی ابتدای خلقت و شکل‌گیری زمین است که مصون از تغییر و دگرگونی قابل رؤیت و از هم گسسته شدن و نابودی کامل است. به عبارت دیگر می‌توان گفت «رواسی» نامی است که خداوند برای اشاره به فرآیند تشکیل کوه‌ها و استواری و ریشه‌دار بودن آنها برگزیده است. همچنین برخلاف واژه «جبال» که جز در دو مورد، جملگی به صورت «معرفه به ال» آمده و بیانگر آشنایی و

۴. بررسی واژگان «رواسی» و «جبال» از بعد همنشینی

فعل «أن تمید بکم» که دلالت بر ثبات و پایداری و عدم اضطراب و ناآرامی زمین دارد در ۳ مورد، صرفاً با واژه «رواسی» هم‌نشین شده است (وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِي أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ (نحل: ۱۵؛ لقمان: ۱۰) وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِي أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ (انبیاء: ۳۱). این فعل نشانگر آن است که خداوند پس از آفرینش زمین، جهت استحکام و پایداری آن در برابر حرکات مختلف زمین از جمله حرکت وضعی، انتقالی، چرخشی، با قرار دادن «رواسی» در اعماق زمین و ایجاد صفحات و لایه‌های مختلف، سکون و آرامش را به زمین ارزانی داشته است. از طرف دیگر در ۸ مورد که واژه «رواسی» ذکر شده، با ضمیر «فی» که دلالت بر ظرفیت و فضای درونی چیزی است یاد شده است که نشان می‌دهد «رواسی» جزء لایه‌های بیرونی و قابل رؤیت بر روی زمین نیست، بلکه اشاره به ریشه کوه‌های بلند و صفحات زیرین سطح زمین دارد که در عمق آن فرو رفته است، برخلاف کوه‌ها که بر روی زمین و در معرض دید انسان‌ها قرار گرفته و مظهر صلابت و استواری واقع شده است. بنابراین ذکر عباراتی چون «وجعلنا فیها، وألقینا فیها، و جعل فیها، وألقى فی الأرض، وجعلنا فی الأرض» خود گواهی است بر اینکه نمی‌توان واژه «رواسی» را مترادف با «جبال» و آن را قسمت بیرونی و ظاهری کوه‌ها تصور کرد. و تنها در یک مورد به هنگام ذکر واژه «رواسی» از غیر ظرف مکانی بهره برده و با عبارت کلی «وجعل لها رواسی» یاد کرده است که این «جارو مجرور» نیز هرگز دلالت بر لایه‌های بیرونی زمین و کوه‌های قابل رؤیت نیست. این مفهوم در برخی تفاسیر که جنبه تفکیک مفهومی دو واژه مذکور را قصد کرده‌اند، نمایان است. فیضی در تفسیر «سواطع الإلهام» با ذکر فعل «وطد: کوبید» به طور ضمنی به کارکرد اصلی «رواسی» در حفظ و نگهداری از زمین در برابر لرزش و اضطراب اشاره کرده است. وی در تفسیر آیه مبارکه: (وَأَلْقَى اللَّهُ وَوَطَدَ فِي الْأَرْضِ أُولَادًا رَوَاسِي مَحَاكِمَ أَنْ لَا تَمِيدَ الرَّمَاةُ أَوْ كَرِهَ حَرَاكِمَهَا) (نحل: ۱۵) می‌گوید: این مفهوم بیانگر معنای فعل «ألقي» یعنی افکندن و فرو بردن در عمق زمین را بازتاب داده است (فیضی، ۱۴۱۷: ۳/ ۲۴۵). این درحالی است که برخی از مفسران قرآن، بدون توجه به نکات اعجازی آیه از بعد علمی آن، هر دو واژه را در یک معنا تصور کرده و آن‌را همین کوه‌های رفیع و بلند دانسته‌اند. صاحب تفسیر «الفواتح الهیه» در این خصوص معتقد است: «قد ألقى في الأرض التي هي مستقرکم و منشأکم رَوَاسِي شامخات مخافة أَنْ تَمِيدَ وَ تَحْرُكَ بِكُمْ» (شیخ علوان، ۱۹۹۹:

۴۲۲/۱). حال آنکه برداشت مفهوم «شامخات: سر به فلک کشیده» برای «رواسی» و تصور آن در جلوه همین کوه‌های ظاهری صحیح نیست. چه همان مفهوم در تفسیر «زبدة التفاسیر» نیز منعکس شده است (کاشانی، ۱۴۲۳: ۱/ ۵۵۱). افعال و صفاتی که هم‌نشین واژه «جبال» شده و سیمای آن را به تصویر کشیده است نیز نشان می‌دهد بیشترین بسامد معنایی این واژه، دلالت بر «زوال و فناپذیری» آن به هنگام برپایی قیامت و تغییرات و دگرگونی‌هایی است که در آسمان‌ها و زمین رخ می‌دهد، به گونه‌ای که در ۱۴ مورد، فعل یا صفتی که همراه آن ذکر شده است، تصویری از متلاشی شدن و از هم گسستن کوه‌ها و فروپاشی عظمت آن را در قیامت ترسیم می‌نماید. هر چند برخی واژگان هم‌نشین «جبال» از اوصاف دیگر آن همچون «استواری، مظهر بزرگی و عظمت و اشاره به پدیده‌های طبیعی» یاد می‌کند، اما در قیاس با هدف غایی و ترسیم تصویری عینی و ملموس از عظمت و هولناکی روز قیامت، جلوه فروپاشی و نابود شدن کوه‌ها که در دیدگاه انسان‌ها، سمبل ثبات و پایداری است، وصفی کوچک می‌نماید.

در مجموع سیاق و مفهوم برخی از آیات قرآن می‌تواند به عنوان شاهد خوبی در نظریه ما و وجود تفاوت ماهوی این دو واژه باشد. استفاده خداوند از واژه رواسی، همراه مقوله‌های نامحسوس و نادیدنی چون ستون‌های نادیدنی آسمان‌ها (لقمان: ۱۰)، کشیدن زمین در آغاز خلقت (عد: ۳) وجود مانع بین دو دریا (نحل: ۶۱) جانداران و برکات عمق زمین (لقمان: ۱۰ / فصلت: ۱۰) و اساساً آیاتی که درباره خلقت و رواسی هستند خود دلیل خوبی بر آن است که «جبال» متفاوت از «رواسی» است، زیرا برخلاف کارکرد ویژه «رواسی»، «جبال» به عنوان پدیده‌ای محسوس که عظمت و بزرگی آن به خوبی قابل درک است، در قرآن معرفی شده است.

۵. کاربرت راسیات برای دیگ

استفاده از صفت «راسیات» در دیگ‌های ساخته شده برای حضرت سلیمان توسط جن، «قُدُورِ رَاسِيَاتٍ» (۱۳: سبأ) می‌تواند دلیل بر آن باشد که «راسیات» بخش غیر متحرک، ناپیدا و ثابت کوه یعنی همان ریشه در اعماق دل زمین است که از زلزله قیامت هم در امان خواهد بود. براساس آنچه در تفاسیر آمده است خداوند این صفت را برای دیگ‌های حضرت سلیمان (ع) بدین دلیل به کار گرفته است تا این نکته را افاده نماید که این دیگ‌ها به قدری بزرگ، محکم و سنگین بوده‌اند که قابل نقل و انتقال نبوده و

۱. (وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِي جِبَالاً عَالِيَةً ثَابِتَةً)

می‌کنند. با این ویژگی‌ها، کوه‌ها نقشی مشابه به یک ناخن یا میخ را ایفا می‌کنند که یک خیمه محکم بر زمین دارند. به عنوان مثال، کوه اورست که قله آن حدود ۹ کیلومتر بالاتر از سطح زمین قرار دارد، دارای یک ریشه عمیق‌تر از ۱۲۵ کیلومتر است. به علاوه، کوه‌ها طبق نتیجه‌ای از حرکات و برخورد صفحات عظیم پوسته زمین به وجود آمده‌اند. هنگامی که دو صفحه باهم برخورد می‌کنند، صفحه قوی‌تر به زیر دیگری می‌رود، صفحه فوقانی با خم شدن بالا می‌رود و به شکل کوه درمی‌آید. لایه زیرین در زیر زمین ادامه پیدا می‌کند و سبب گسترش عمیق زیرزمینی می‌گردد. پروفیسور سیویدا، زمین‌شناس دریایی مشهور جهان، در مرجع این نظر را داده که کوه‌ها دارای پایه‌های ریشه‌مانندی هستند که آنها را به سطح زمین متصل می‌کند. تفاوت اساسی بین کوه‌های قاره‌ای و کوه‌های اقیانوسی در مواد آن نهفته است. با این وجود وجه مشترک هر دو آنها این است که ریشه‌ای برای حمایت از کوه‌ها دارند. (حسین دانشفر، عمادالدین کواری؛ ۱۳۷۰ش، تلخیص صص ۱۷-۴۵). به نظر می‌رسد که خداوند متعال با استعمال الفاظ «رواسی» و «القی» در آیاتی نظیر آیه «وَ أَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ» (نحل: ۱۵) به حقایقی در تشکیل کوه‌ها اشاره می‌نماید که مؤید یافته‌های نوین علم زمین‌شناسی است. بررسی مفهوم آیات و تفسیر دقیق آن گویای این موضوع است که خداوند ابتدا زمین و استحکامات درونی آن را آفرید، سپس به آفرینش و خلقت آسمانها پرداخت. تفسیر آیه (وَ جَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَ بَارَكَ فِيهَا وَ قَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِلنَّاسِ لِيُنْزِلَ فِيهَا مِنْهَا مَاءً سَالِجًا فِي الْأَرْضِ) (فصلت: ۱۰) نشان می‌دهد که «رواسی» بلافاصله بعد از خلقت زمین و در دو دوره ایجاد شده است. اگر نظریات زمین‌شناسان در خصوص زمان پیدایش کوه‌ها بر روی زمین صحیح باشد، پس «رواسی» به عنوان قوام‌دهنده و استحکام بخش زمین، قبل از پیدایش و خلقت آسمانها به وجود آمده و در دل زمین نهاده شده است؛ زیرا ذکر حرف «ثم» پس از ذکر نام «رواسی» در آیه: (ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ) (فصلت: ۱۱) که دلالت بر تراخی در زمان دارد، خود مؤید این دیدگاه است که نمی‌توان زمان خلقت «رواسی» را با خلقت «جبال» یکی دانست و بدین‌منظور، در فهم آیات، آنها را واژگانی مترادف و جانشین هم در متن قرآنی به حساب آورد. ذکر برخی از نعمت‌های الهی که برای حیات انسان‌ها بر روی این کره خاکی مقدر شده است در کنار ذکر نام «جبال»، شاید اشاره‌ای باشد به خلقت متأخر این سازه‌های رفیع که در دوره‌های بعد به دلایل خاص زمین‌شناسی به وجود آمده‌اند.

هریک در جای خود ثابت مانده‌اند (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۳۶۳/۱۶). برخلاف کوه که به تصریح قرآن، هم‌اکنون نیز در حرکت بوده و کاملاً هویدا و آشکار است و در روز قیامت هم سخت دستخوش ویرانی و آسیب و فروپاشی خواهد شد.

۶. تصویر «رواسی» و «جبال» در روایات

روایات به عنوان مبین و مفسر قرآن از ادله محکم اسلامی به شمار آمده‌اند. در مورد تفاوت «رواسی و جبال» نیز با تفحص و جستجو در روایات به خوبی این نکته آشکار می‌شود که معصومین (ع) نیز «رواسی» را غیر از «جبال» دانسته و تمایز آشکاری میان آنها قائل شده‌اند. برای نمونه حضرت علی (ع) در نهج البلاغه در بیان شگفتی‌های نظام خلقت می‌فرماید: «فَأَنهَدَ جِبَالَهَا عَنْ سُهُولِهَا، وَ أَسَاخَ قَوَاعِدَهَا فِي مَثُونِ أَقْطَارِهَا وَ مَوَاضِعِ أَنْصَابِهَا، فَأَشْهَقَ قِالَهَا، وَ أَطَالَ أَنْشَارَهَا» (خطبه ۲۱۱): «کوه‌ها را از سطح زمین بالا کشید و پایه‌های آنها را در اعماق زمین و قرارگاهشان را ثابت نگه داشت، قله‌ها را مرتفع ساخت و تپه‌ها را گسترش داد». این جملات به خوبی نشان می‌دهد که کوه‌های زمین علاوه بر قامت کشیده‌ای که در بیرون دارند دارای ریشه‌های عظیمی در زیر زمین هستند، همان ریشه‌هایی که آنها را از درون به هم پیوند می‌دهد، درست مانند درختی که هر قدر ساقه و شاخه‌هایش در آسمان بیشتر پیش می‌رود، ریشه‌هایش در اعماق زمین فروتر خواهد رفت، زیرا قامت بلند و استوار را ریشه‌های عظیم و محکم نگه می‌دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰ش، ج ۸، ص: ۱۸۲-۱۷۱).

افزون بر آن، در روایتی دیگر در توصیف اهل بیت علیهم‌السلام، از تعبیری استفاده نموده است که به طور آشکار سخن از حمل کوه‌ها (جبال) بر رواسی (ریشه‌ها) دارد. امام می‌فرماید: «... وَ بِكُمْ يُنْزَلُ اللَّهُ الْغَيْثَ وَ بِكُمْ تُسَبِّحُ اللَّهُ الْأَرْضُ الَّتِي تَحْمِلُ أَبْدَانَكُمْ وَ تَسْتَقِيلُ جِبَالَهَا عَلَى مَرَاسِيهَا...» (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ص ۲۰۰).

۷. علم زمین‌شناسی و ریشه کوه‌ها (رواسی)

بر اساس نظریه‌های علم زمین‌شناسی، پیدایش کوه‌ها بر روی زمین به حدود ۱۵۰ تا ۳۰۰ میلیون سال قبل برمی‌گردد که در دوره‌های مختلف زمین‌شناسی (پالئوزوئیک، فروزوئیک، سنوزوئیک، کواترنری) پدیدار شده‌اند (ویلیامز، ۱۳۷۳: ۲۲۴). درحالی که خلقت زمین و صفحات درونی آن به حدود ۴ میلیارد سال پیش برمی‌گردد (همان). در گذشته تصور می‌شد که کوهستان فقط ظهور برآمدگی بالاتر از سطح زمین است. با این وجود، دانشمندان متوجه شدند که واقعیت چنین نیست و آن بخش‌ها که ریشه کوه نام دارند، گاهی مواقع به اندازه ۱۰ تا ۱۵ برابر ارتفاع خود افت

نتایج

تحلیل و بررسی آیات قرآن کریم ما را به این نتیجه می‌رساند که برخلاف دیدگاه اکثر مفسران و به تبع آن، مترجمان قرآن کریم، واژه «رواسی» نمی‌تواند مترادف و جانشین مفهومی واژه «جبل» باشد زیرا: ۱. با توجه به مفهوم لغوی واژگان رواسی و جبال در قرآن، تفاوت ماهوی بین این دو واژه آشکار می‌گردد. «جبال» در قرآن به معنای کوه‌های موجود در پوسته زمین که پس از «رواسی» خلق شده، و مظهر قدرت و عظمت می‌باشد لحاظ شده است. «جبال» در قیامت با فروپاشی کامل روبرو خواهد شد و استواری آن در زمین به دلیل وجود «رواسی» است.

۲. «رواسی» در قرآن نه به معنای «کوه‌ها» که به معنای «ریشه کوه‌ها» می‌باشد، پیش از «جبال» خلق شده و در قرآن فقط هنگام خلقت زمین از آن یاد شده، و در هنگام قیامت، هیچ سخنی از آن که متضمن نابودی و فروپاشی باشد ذکر نشده است، بلکه به عنوان ریشه و عامل استواری جبال و زمین از آن یاد شده است.

۳. نوع استفاده متفاوت قرآن از واژگان «جبال و رواسی» در ساختارهای متفاوت، و اختصاص واژگان همنشین کاملاً متباین، برای این دو واژه نشان از متفاوت بودن معنای جبال و رواسی در قرآن دارد.

۴. «رواسی» در قرآن کریم اشاره به «صفحات درونی زمین و پوسته جامد» آن دارد و شاید دلیل به کارگیری مکرر واژه جبل و مشتقات آن در جلوه عظمت و بزرگی مظاهر و پدیده‌های طبیعی، بدین منظور باشد که قرآن برای درک و فهم بهتر انسان‌ها به نشانه‌ها و پدیده‌های محسوس و قابل رؤیت مثل می‌زند تا از این طریق به عظمت خداوند و آفریده‌های او ایمان بیاورند. لذا «جبل» همان «کوه» است که مظهر بزرگی و استحکام بوده و بر خلاف «رواسی».

۵. در روایات نیز، شواهد گوناگونی که مؤید تفاوت ماهوی جبال و رواسی است، وجود دارد.

۶. براساس نظریه‌های علم زمین‌شناسی، پیدایش کوه‌ها بر روی زمین به حدود ۱۵۰ تا ۳۰۰ میلیون سال قبل برمی‌گردد، درحالی‌که خلقت زمین و صفحات درونی آن به حدود ۴ میلیارد سال پیش مربوط می‌شود.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه (ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی).

ابن قولویه، جعفر بن محمد، (۱۳۵۶ش). کامل الزیارات - نجف اشرف، چاپ: اول.

ابن عاشور، محمدطاهر، (۱۴۲۰ق). تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن

عاشور، ۳۰ جلد، مؤسسة التاريخ العربي - لبنان - بیروت.

ابن‌منظور؛ محمدبن مکرم، (۱۴۱۶ق). طبعه جدید مصححه و ملونه اعتنی

تصحیحها امین محمد عبدالوهاب، محمد الصادق العبدی، بیروت: دار احیاء

التراث العربی: موسسه التاريخ العربی.

ابوحیان، محمد بن یوسف، (۱۴۲۰ق). البحر المحيط فی التفسیر، ۱۱ جلد، بیروت، دار الفکر.

بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمن، (۱۳۶۸ق). الاعجاز البیانی فی القرآن الکریم، القاہرہ، دار المعارف.

بی بیرویش، منافرد (۱۳۷۴ش). زبان‌شناسی جدید، ترجمه محمدرضا باطنی، تهران، انتشارات آگاه.

بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، (بی‌تا). قرآن و طبیعت، راز کوه‌ها، تهران، انتشارات بعثت.

جوهری، اسماعیل بن حماد؛ (۱۴۰۴ق). تاج اللغه و صحاح العربیہ: صحاح اللغه، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ سوم.

دانشفر، حسین؛ کواری، عماد الدین، (۱۳۷۰ش). زمین‌شناسی سال چهارم آموزش متوسطه عمومی، سازمان چاپ مانیار.

دره‌شوری، بیژن (۱۳۷۷ش). طبیعت ایران، تهران، کتابخانه مرکزی.

رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، (۱۴۰۸ق). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ۲۰ جلد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی - ایران - مشهد

مقدس، چاپ: ۱.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۸۳ش). ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریہ، چاپ سوم.

سبحانی، جعفر (۱۳۶۲ش). قرآن و اسرار آفرینش (تفسیر سوره رعد)، قم، انتشارات توحید.

طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴ش). ترجمه تفسیر المیزان، ۲۰ جلد، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی - ایران - قم، چاپ: ۵.

طبرسی، فضل بن حسن، (بی‌تا) ترجمه تفسیر مجمع البیان، فراهانی - ایران - تهران، چاپ: ۱.

طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، ۳۰ جلد، دارالمعرفه - لبنان - بیروت، چاپ: ۱.

طوسی، محمد بن حسن، (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۰ جلد، دار احیاء التراث العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۱.

عسکری، حسن بن عبدالله، (۱۴۰۰ق). الفروق فی اللغة - بیروت، چاپ: اول.

فراهیدی، خلیل بن أحمد، (۱۴۰۹ق). کتاب العین - قم، چاپ: دوم.

فیضی، ابوالفیض بن مبارک (۱۴۱۷ق). سواطع الالهام فی تفسیر کلام الملك العلام، ۶ جلد، قم، دار المنار.

قطب، سید (۱۴۲۵ق). فی ظلال القرآن، ۶ جلد، دار الشروق - لبنان - بیروت، چاپ: ۳۵.

کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله (۱۴۲۳ق). زبدة التفسیر، ۷ جلد، قم، مؤسسة المعارف الإسلامیة.

گاموف، جورج آنتونی (۱۳۳۷ش). سرگذشت زمین، ترجمه محمود بهزاد، تهران، انتشارات نیل.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۰ش). پیام امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام، قم ناشر: انتشارات امام علی بن ابیطالب (ع)، چاپ اول.

نیازمند، بدالله (۱۳۶۳ش). اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، تهران، نشر محمدی.

ویلیامز، لارنس (۱۳۷۳ش). کوه‌ها، مترجم محمدرضا خاکبانی و زهره شادرو، تهران، نشر زلال.

References

- Holy Quran
Nahjul-Balagha(translated by Ayatollah Makarem Shirazi).
- Abu Hayyan, Muhammad ibn Yusuf (1420). Al-Bahr Al-Muhit in Interpretation, 11 volumes, Beirut, Dar Al-Fikr.
- Askari, Hassan bin Abdullah, (1400) al-Frooq fi al-Lagha - Beirut, edition: first.
- Bayarvish, Manfred (1374). Modern Linguistics, translated by Mohammad Reza Batani, Tehran, Agah Publications.
- Bint Al-Shatti, Aisha Abdul Rahman (1368). The rhetorical miracle in the Holy Quran, Cairo, Dar Al-Maaref.
- Bizaar Shirazi, Abdul Karim, (nd). Quran and Nature, The Secret of Mountains, Tehran, Besat Publications.
- Daneshfar, Hossein; Kovari, Emaduddin; (1370), Geology, Fourth Year of General Secondary Education, Manyar Publishing Organization.
- Darreh Shouri, Bijan (1377). Nature of Iran, Tehran, Central Library.
- Farahidi, Khalil bin Ahmed, (1409) Kitab al-Ain - Qom, second edition.
- Fayzi, Abul Faiz bin Mubarak (1417). Swat al-Ilham in the interpretation of the words of King Al-Alam, 6 volumes, Qom, Dar al-Manar.
- Gamow, George Anthony (1337). History of the Earth, translated by Mahmoud Behzad, Tehran, Nile Publications.
- Ibn Ashur, Muhammad Tahir, (1420), Tafsir al-Tahrir wa al-Tanweer known as Ibn Ashur's Tafsir, 30 volumes, Arab History Foundation - Lebanon - Beirut.
- Ibn Nazur; Muhammad bin Makram, (1416), printed in a new and correct version of the AH Edited by: H. H. M. N. Hamad Abdal Wahhab, Muhammad Al-Sadiq Al-Abd. In Rut: House of the Revival of Arab Heritage: The History of the Arabs.
- Ibn Qolwayh, Ja'far bin Muhammad, (1356), Complete Al-Ziyarat - Najaf Ashraf, Edition: 1.
- Johari, Ismail bin Hammad; (1404), Taj al-Lagheh and Sahah al-Arabiyyah: Sahah al-Lagheh, Beirut: Dar al-Alam for Al-Malayin, third edition.
- Kashani, Fethullah bin Shukrullah (1423). Zubdah al-Tafseer, 7 volumes, Qom, Al-Maarif Islamic Foundation.
- Makarem Shirzari, Nasser, (1390) Message of Imam Amir al-Mu'minin (a.s.), Qom Publisher: Imam Ali ibn Abi Talib (a.s.) Publications, First Edition.
- Nemzanid, Yadollah (1363). The Miracle of the Quran from the Perspective of Modern Science, Tehran, Mohammadi Publishing House.
- Qutb, Sayyid (1425). In the shadows of the Qur'an, 6 volumes, Dar al-Sharrouk - Lebanon - Beirut, printed: 35.
- Raghib Isfahani, Hussein bin Muhammad, (1383), Translation and research of the vocabulary of the Quran with a linguistic and literary interpretation of the Quran, Tehran: Al-Muktabah al-Murtazawiyah Lahya Athar al-Jaafariyyah, third edition.
- Razi, Abul Fattuh Hossein bin Ali, (1408), Ruz al-Jinnan and Ruh al-Jinan in Tafsir al-Qur'an, 20 volumes, Astan Quds Razavi, Foundation for Islamic Research - Iran - Holy Mashhad, Edition: 1.
- Sobhani, Jafar (1362). The Quran and the Secrets of Creation (Interpretation of Surah Ra'd), Qom, Tohid Publications.
- Tabari, Muhammad bin Jarir, (1412) Jame al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an (Tafsir al-Tabari), 30 volumes, Dar al-Marafah - Lebanon - Beirut, print: 1.
- Tabarsi, Fadl ibn Hassan, (nd) Translation of Majma' al-Bayan's commentary, Farahani - Iran - Tehran, Edition: 1.
- Tabatabaei, Mohammad Hossein, (1374) Translation of Tafsir al-Mizan, 20 volumes, Qom Seminary Teachers' Association, Islamic Publications Office - Iran - Qom, Edition: 5.
- Tousi, Muhammad bin Hassan, (nd), Al-Tabyan fi Tafsir al-Qur'an, 10 volumes, Dar Ihya Al-Trath Al-Arabi - Lebanon - Beirut, Edition: 1.
- Williams, Lawrence (1373). Mountains, translated by Mohammad Reza Khakiani and Zohreh Shadro, Tehran, Zalal Publications.